پرسه در خبر

پیمان معادی با ستاره هالیوود همبازی شد

● پیمان معادی و رایان رینولدز در فیلم اکشن تازه‌ای از شبکه نتفلیکس بازی خواهند کرد. کار فیلم‌برداری این اثر سینمایی به کارگردانی مایکل بی از اواخر ماه جاری آغاز خواهد شد.

ملانی لوران، بازیگر فرانسوی، هم در این پروژه حضور دارد. این بازیگر برای بازی در فیلم «حرامزاده‌های لعنتی» به کارگردانی کوئنتین تارانتینو شهرت دارد.

معادی که برای بازی در فیلم «جدایی نادر از سیمین»، به کارگردانی اصغر فرهادی، شهرتی بین‌المللی دارد، پیش از این نیز با مایکل بی در فیلم «۱۳ ساعت» همکاری کرده است.

در فیلم «Six Underground» رایان رینولدز، ستاره سری فیلم‌های «دد پول»، در کنار معادی ایفای نقش خواهد کرد. هنوز جزئیات زیادی از فیلم‌نامه این اثر سینمایی منتشر نشده است.

از دیگر بازیگران فیلم می‌توان به آدریا آریونا، کوری هاوکینز، مانوئل گارسیا روفو و بن هاردی اشاره کرد.

این فیلم بر اساس برنامه ازپیش‌تعیین‌شده سال ۲۰۱۹ از نتفلیکس پخش می‌شود.

«درخت گلابی وحشی» نماینده ترکیه در اسکار شد

● فیلم «درخت گلابی وحشی»، ساخته «نوری بیلگه جیلان»، کارگردان سرشناس ترکیه‌ای، نماینده این کشور در شاخه بهترین فیلم خارجی جوایز سینمایی اسکار در سال ۲۰۱۹ شد.

این فیلم که امسال در بخش رقابتی جشنواره کن نامزد نخل طلای بهترین فیلم بود، روایتگر داستان مردی به نام «سینان» است که پس از اتمام تحصیلات دانشگاهی‌اش به شهرش بازمی‌گردد و در تلاش است پولی برای چاپ اولین رمان خود دست‌وپا کند، اما با قرض‌های پدر قماربازش مواجه می‌شود.

«جیلان» پیش از این پنج‌بار با فیلم‌هایش نماینده سینمای ترکیه در جوایز اسکار بوده است.

بنابر اعلام رسانه‌های ترکیه‌ای، فیلم «درخت گلابی وحشی» از سوی کمیته اسکار این کشور و وزارت فرهنگ و گردشگری از میان ۱۲ فیلم نامزدشده به‌عنوان نماینده نهایی سینمای ترکیه انتخاب شده است.

سینمای ترکیه تاکنون نتوانسته به جمع نامزدهای نهایی شاخه بهترین فیلم خارجی اسکار راه یابد و تنها یک‌بار فیلم «سه میمون»، ساخته «نوری بیلگه جیلان»، در سال ۲۰۰۹ به فهرست کوتاه این رویداد راه یافت. فیلم «موستانگ»، ساخته «دنیز گامزه ارگوون» که در سال ۲۰۱۵ نامزد اسکار خارجی شد، نیز به نمایندگی از سینمای فرانسه به آکادمی معرفی شده بود.

تاکنون کشورهای بلاروس (قوی بلورین)، استونی (یا بگیرش یا ولش کن)، رومانی (مهم نیست اگر به‌عنوان بربرها در تاریخ شناخته شویم)، اسلواکی (مترجم) و سوئیس (الدورادو) نمایندگان خود را برای حضور در شاخه بهترین فیلم غیرانگلیسی نودویکمین دوره جوایز سینمایی اسکار انتخاب کرده‌اند.

آخرین مهلت ارسال و معرفی فیلم‌ها از سوی کشورهای مختلف برای رقابت در شاخه بهترین فیلم خارجی اسکار ۲۰۱۹ روز اول اکتبر ۲۰۱۹ (۹ مهرماه) اعلام شده است.

همچنین بر اساس قوانین آکادمی اسکار، تمامی فیلم‌های واجد شرایط برای رقابت در این شاخه باید بین تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۱۷ (۹ مهر ۱۳۹۶) تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۸ (۸ مهر ۹۷) حداقل به مدت هفت روز در سینماهای کشور مبدأ اکران شده باشند.

مراسم اعطای جوایز نودویکمین دوره جوایز سینمایی اسکار روز ۲۴ فوریه (پنجم اسفند) در لس‌آنجلس برگزار می‌شود.

«گولاگ» در تماشاخانه پالیز

● **گروه هنر:** نمایش «گولاگ» به کارگردانی سجاد تابش از ۱۵ شهریور در سالن شماره یک تماشاخانه پالیز روی صحنه می‌رود.

«گولاگ» نمایشی است که براساس نمایش‌نامه «کالیگولا» اثر آلبر کامو شکل گرفته و سجاد تابش علاوه بر کارگردانی، نگارش این اثر را هم بر عهده داشته است.

«گولاگ» درحال‌حاضر تمرین‌های خود را برای اجرا در سالن شماره یک تماشاخانه پالیز، پشت سر می‌گذارد.بازیگران این اثر نمایشی که قرار است از ۱۵ شهریور روی صحنه برود، به‌زودی معرفی می‌شوند.

تشخص و فضیلت عزت‌الله انتظامی

آویزان هیچ میز و صاحب‌میزی نبود

دکتر قطب‌الدین صادقی
استاد دانشگاه و کارگردان

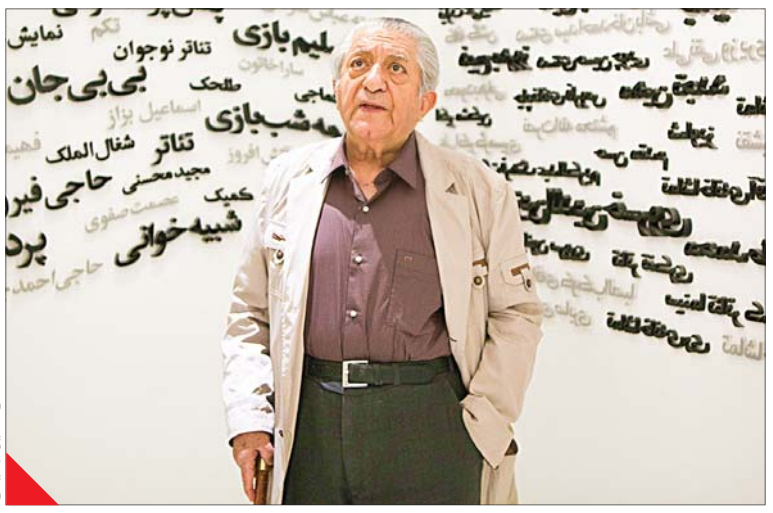

عکس: امیر جدیدی

عزت‌الله انتظامی وامدار هیچ‌کس نبود. هیچ‌کس هیچ‌چیز از سر لطف و مرحمت به او تعارف و پیشکش نکرده بود، و او تا لحظه مرگ آویزان هیچ «میز» و «صاحب‌میزی» نبوده است. احترام و بزرگی او نخست ازآن‌روست که او هنرمندی بود خودساخته که نام و جایگاهش را به یمن استعداد و قریحه و پشتکار خود به دست آورده است. او طی بیش از ۶۰ سال تلاش پیگیر و مداوم از ساده‌ترین مسئولیت‌ها و نقش‌ها کارش را آغاز کرده بود و به مرور در اثر دقت و کوشش و تمرین به چنان توان و مقامی در عرصه بازیگری دست یافته بود که اینک این هنر موجب فخر جامعه فرهنگی و باعث ارتقای جایگاه اجتماعی آن در روزگار ما است.

گفتن ندارد بستر و ریشه رشد انتظامی در هنر نمایش است. تسلط و تبحری که او به دست آورده است ناشی از تجربه و ممارست او در همه عرصه‌ها و ابعاد مختلف بازیگری تئاتر است: از «پیش‌پرده‌خوانی» در تئاترهای لاله‌زار که در ایام جوانی تجربه کرد، تا دهه‌ها کار خلاقه بر نمایشنامه‌های ایرانی در تالار سنگلج و چهار گوشه ایران، و سال‌ها بازی و کارگردانی نمایش‌های زنده در تلویزیون، همه مقدمه‌ای بودند تا زمانی که برای نخستین‌بار در فیلم «گاو» بازی کرد و آن‌همه تجربه و پشتوانه را با خود جلوی دوربین مهرجویی آورد.

بنابراین او انواع هنر بازیگری را در مدیوم‌های مختلف به ترتیب شناخته و توان خود را در همه آنها آزموده و به مرور به کمال بیانی رسانده است. و شگفت آنکه آموخت نوع بازی‌اش را در هرکدام از این رشته‌ها به درستی انتخاب و ایفا کند و تکنیک مناسب آنها را برگزینند. اما آنچه تا حدودی کار انتظامی را نسبت به دیگران ممتاز کرده است تنها مهارت و تبحر فنی او نیست. مکمل مهارت فنی او، تسلط او به فرهنگ مردم، شناخت او از حوادث اجتماعی، احاطه‌اش بر ظرایف روحی، و در یک کلام آگاهی او نسبت به روانشناسی انسان ایرانی است.

به‌گونه‌ای که کمتر بازیگری چون او می‌توان یافت که تا این درجه شناخت بی‌واسطه و روشن از شخصیت‌های «ایرانی» و «باهویت» داشته باشد. او بازیگری بود عمیقا «ایرانی‌کار» که از شخصیت‌های تاریخی گرفته تا افراد معاصر، از روستایی گرفته تا شهری هفت‌خط، و از اشراف گرفته تا اقشار متوسط را خوب بازی کرده است.

برای او مطرب و موبد و قصاب و دلال و کارمند و پزشک و قهوه‌چی و خان و انقلابی و تبهکار و بیابانی، یکسان رام و شناخته شده‌اند. او جسم و روح، و هوش و حس این طیف وسیع از شخصیت‌های ایرانی را خوب و به‌اندازه می‌شناسد و همین کارش را واقعی، شیرین و عمیقا دلچسب کرده است.

نکته ارزشمند دیگری که طی دهه‌ها فعالیت عزت‌الله انتظامی دیده‌ایم این است که او کارش را همواره با «تشخص» و توأم با «اصول» انجام داده است. هرگز نه در تئاتر، نه در تلویزیون و نه در سینما کسی ندیده است که او کاری مبتذل، بازاری و دور از شأن فرهنگی انجام دهد. به عبارتی دیگر در آثاری که کارشان عوام‌فریبی، تبلیغ و یا تحمیق توده‌هاست، شرکت نداشته است. بنابراین از آن دسته هنرمندانی است که اغلب به کارهای کاذب، سبک و دور از حقیقت «نه» گفته است. بخشی بزرگی از احترام همگانی نسبت به انتظامی به درستی از همین رویکرد می‌آید.

فروتنی و صمیمیتی که همگان در عزت‌الله انتظامی دیده‌اند، مثال‌زدنی است. درست در ۵۰ سالگی و با بیش از ۳۰ سال تجربه در انواع کارهای بزرگ و متنوع، او همچون دانشجویی ساده به دانشگاه تهران - دانشکده هنرهای زیبا- رفت و لیسانس بازیگری گرفت تا به قول خودش «نظمی» به یافته‌هایش بدهد. از سال ۱۳۵۰ که نخستین‌بار با او در یک کلاس درس نشسته‌ام تا سالیان اخیر که شانس داوری در چندین جشنواره (از جمله جشنواره تئاتر معلولین) را در کنار او یافته‌ام، او را همیشه انسانی صمیمی، عاطفی، منصف و فروتن یافته‌ام، و گاه به هنگام داوری او را دیده‌ام که با دیدن صحنه‌ای تلخ یا شخصیتی رنجور، ناگهان چون کودکی معصوم اشک‌هایش فروریخته است.

درباره کمال و کمال‌گرایی انتظامی می‌توان گفت هیچ رازی در میان نیست. هویت و جایگاه او در ترکیب این چند ویژگی است: استعداد و پشتکار از سویی، شناخت هنر بازیگری و جامعه‌اش از سوی دیگر، و سرانجام تشخص هنرمندانه و صمیمیتی انسانی که خاص او و کامل‌کننده واقعی ارزش‌های همیشگی او است.

تنها با ترکیب هنرمندانه این ابعاد شخصیتی، هنری و اجتماعی است که انتظامی توانسته بود به طرزی ماهرانه «فضیلت عام» فرهنگ و جامعه ایرانی را به «فضیلت خاص» خود تبدیل کند.

بر این فضیلت و تشخص هزاربار درود! زیرا برخلاف بسیاری از بی‌هنران، که از این هنر، حرفه‌ای معمولی و پیش‌پاافتاده ساخته‌اند، او از این حرفه، هنر بزرگی آفریده بود که تئاتر و سینمای ایران وامدار آن است. در پایان نیز تسلیت می‌گویم به جامعه هنری و مردم ایران که یکی از بهترین هنرمندان خود را از دست داده‌اند.

در نهمین کارنمای پژوهش انجمن نقاشان

۲ نقاشی کویری از علی فرامرزی ارائه شد

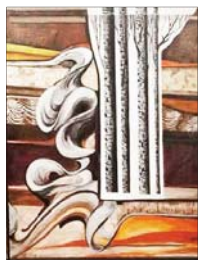

گروه هنر: در نهمین کارنمای پژوهش انجمن نقاشان که به اعضای بالای ۴۰ سال اختصاص دارد که در ۲۶ مردادماه به میزبانی خانه هنرمندان برگزار می‌شود، دو اثر از علی فرامرزی (نقاش) در این نمایشگاه در معرض دید عموم قرار خواهد گرفت. علی فرامرزی درباره برگزاری این نمایشگاه معتقد است: غیبت بی‌ینال‌های عمومی نقاشی برای سال‌های طولانی، عدم توانایی و نداشتن فضای کافی برای نمایش یک‌باره آثار همه هنرمندان عضو انجمن نقاشان ایران، نبود یک آرشیو کافی و درست‌ودرمان برای ارائه آثار اعضای وابسته و پیوسته و... کمیته نمایشگاهی انجمن نقاشان به سرپرستی بابک اطمینانی را بر آن داشت تا به‌گونه‌ای سریالی و مداوم مجموعه نمایشگاه‌هایی تحت عنوان (کارنمای پژوهشی ۱، ۲، ۳...) را در دوره ششم انجمن نقاشان به اجرا بگذارد و برای هر دوره نیز کتابی از مجموعه آثار به چاپ برساند. در تناسب با توان انجمن و امکانات موجود به‌لحاظ مادی و فیزیکی آن، کاری درخور بود که بی‌شک اگر نبود تیم یکدل و کوشا همراه اطمینانی بعید به نظر می‌آید که امکان‌پذیر می‌بود. بی‌شک در این بین نمی‌توان از همکاری و حسن‌نیت خانه هنرمندان و سایت‌هایی مانند گالری آنلاین که به‌عنوان اسپانسرهای معنوی این حرکت عمل می‌کردند غافل بود و یادآوری نکرد. بی‌شک تجربه فشرده‌ای که این گروه به دست آورده‌اند به همراه نمایشگاه‌های گذشته انجمن چنانچه تحت یک بررسی شفاف و آسیب‌شناسانه قرار بگیرد می‌تواند اندوخته عملی خوب و غنیمتی باشد برای دوره‌های آینده و یک‌بار دیگر این واقعیت را بنمایاند که با همدلی و همکاری شفاف و به‌دور از این و آن کردن‌های مرسوم و با نگاهی فرهنگی‌تر به صحنه عمل، بسیاری از کارهای برزمین‌مانده را می‌توان شکل داد و به انجام رساند. بخشی از تأثیر این‌گونه حرکت در دوره اخیر انجمن را می‌توان در آخرین انتخابات انجمن که با استقبال خوب جوانان توانست در دومین نشست عمومی به حدنصاب لازم برسد و هیئت‌مدیره جدید را انتخاب کند مشاهده کرد و از آن آموخت. او می‌افزاید: گمان من این است که انجمن نقاشان در پایان ششمین دوره خود (خصوصا بعضی از افراد هیئت‌مدیره آن که سابقه چندین دوره عضو هیئت‌مدیره‌بودن را به همراه دارند) اگر در یک رویکرد شفاف و صادقانه بتواند به تحلیل و بررسی عملکرد گذشته خود بنشیند و به‌دور از هرگونه رودربایستی و با شفافیت نقاط مثبت و ضعف عملکرد گذشته یا مشکلات موجود در اساسنامه را به بحث بگذارد و به رشته تحریر درآورد می‌تواند میراث و بدعت خوب و مثبتی را از خود به‌جا گذارد. عدم یادداشت‌برداری و عمومیت‌نداشتن خاطره‌نویسی بسیاری از تجربیات و اندوخته‌های ما را که گاه با زحمات و صرف وقت بسیار به دست آمده است بدون استفاده و فراموش‌شده می‌کند و چرخه انتقال تجربه را راکد و در نتیجه گروه‌های بعدی را وامی‌دارد تا از نو و نقطه صفر شروع به تجربه‌اندوزی کنند. این دوره نمایشگاه کارنمای پژوهشی نهمین دوره و آخرین آنها در پایان ششمین دوره انجمن نقاشان است. همچنین آنچه در این مجموعه وجود دارد حضور من با دو اثر از مجموعه هجوم کویری است؛ دو تابلویی که هریک در ابعاد ۱۲۰ در ۲۶۰ سانتی‌متر با تکنیک آکرلیک و میکس‌مدیا کشیده شده‌اند.

جهان‌های مشترک ۲ هنرمند

فاطمه رمضان‌زاده، منتقد تجسمی، در یک مقایسه بین این دوره از آثار «علی فرامرزی» و «زاها حدید»، معمار برجسته جهانی و عراقی‌الاصل که آثار خلاقانه و چشم‌نوازش توانسته نهضتی را در عرصه معماری شکل دهد و پلی بزند بین طرح، مجسمه و معماری، نوشته است: آن زمان که معانی درونی هنرمند در قالب فرم به فضا شکل می‌دهد و از دل این هم‌آهنگی مفهوم خلق می‌شود، نمی‌توان به‌راحتی پاسخ داد که، فضا به فرم شکل داده است و یا فرم فضا را خلق کرده. حرکت، پیچش بی‌انتها و استمراری آن در بی‌نهایت بی‌شک از درون دو هنرمند سرزمین‌های کویری برخاسته است بی‌آنکه گفت‌وگوئی کلامی و دیداری حضوری در بینشان اتفاق افتاده باشد. این اتفاق تنها زمانی رخ می‌دهد که هر دو هنرمند عصاره دریافت‌های درونی خود را سیال و روان و بی‌مانع بروز داده باشند. این گفتمانی است خلق‌شده از فرم و فضا که یکی در این‌سوی جهان و دیگری در آن‌سو راه ارتباطی خود را با یکدیگر می‌یابند. جریانی که ریشه‌هایش را می‌توان در پیچش رمزآمیز باد در فرم‌های بی‌انتهای کویری جست‌وجو کرد و در ترنمی موسیقیائی که نقاش و معمار با عناصر بصری چون خط، حجم و ریتم می‌نوازند.

او می‌افزاید: در این‌سو هنرمند ایرانی «علی فرامرزی» انسان را به دنبال‌کردن حرکاتی بی‌انتها و خیال‌انگیز در برابر بوم نقاشی می‌نشاند و در نقطه‌ای دیگر بانوی معمار عراقی «زاها حدید» ما را به قدم‌گذاشتن در پیچ‌وتاب‌هائی بدون مرز دعوت می‌نماید تا آنجا که غرق در سیالیت و خلأ تو می‌توانی لامکانی خویش را لمس نمائی. آثار هر دو هنرمند نوعی حساسیت بصری و لطافت محتوائی در خود دارد که گوئی به درون قلب مخاطب نفوذ می‌کند و جریان سیالی را شکل می‌دهد که از درون سادگی بیان آنها چنان بدون مانع و به‌دور از سردرگمی ارائه شده است که مخاطب بی‌واسطه یکی‌شدن و وحدت را حس و درک می‌کند. ذکر این نکته لازم است که هر دو این هنرمندان با زدودن زواید و حواشی اثر را به‌گونه‌ای ناب و در انتزاعی‌ترین حالت خود رسانده‌اند. این منتقد تجسمی در پایان یادآور می‌شود: شباهت و ارتباط فرمی در آثار هر دو هنرمند به‌گونه‌ای است که هر یک از فاصله‌ها و آن‌گونه که فرامرزی می‌گوید بدون شناختی از کار یکدیگر به کار و خلق اثر مشغول بوده‌اند و این را می‌توان در نتیجه بروز ناخودآگاه هنرمندانه و صداقت در بیان دانست که از ریشه‌های فرهنگی و زیستی مشابهی برخوردار بوده‌اند گرچه زاها معماری ساکن انگلیس بوده است. فرامرزی در سال گذشته نیز نمایشی انفرادی در فرهنگ‌سرای نیاوران برگزار کرد که در آن آثار بُعد چهارم خود را در معرض دید و قضاوت دیگران قرار داد و بحث‌های مفصلی را در رابطه با موضوع بُعد فرهنگی و هنری دامن زد.

نویسندگان و مترجمان درباره عضویت در کنوانسیون برن چه می‌گویند

کدخدامنشی و راهزنان فرهنگی

شرق: بوروندی، پاپوآ گینه‌نو، پالائو، ترکمنستان، توالو، تیمور شرقی، جزایر سلیمان، جزایر مارشال، جمهوری چین، سائوتومه و ایران؛ اینها نام برخی از کشورهایی هستند که به کنوانسیون برن، درخصوص حق مؤلف نپیوسته‌اند. سال‌هاست که درباره عضویت و عدم عضویت کشور ما در این کنوانسیون بحث و جدل‌هایی وجود دارد؛ اما هنوز کتاب‌های خارجی بی‌اجازه ترجمه می‌شوند و ناشران و نویسندگان خارجی ما را به‌چشم سارقان فرهنگی نگاه می‌کنند. همایشی که قرار است انجمن صنفی داستان‌نویسان با عنوان «حق مالکیت ادبی؛ گفته‌ها و ناگفته‌ها» شهریورماه امسال در کاشان برگزار کند، فرصتی ایجاد کرده تا این بحث دوباره به‌عنوان یکی از مطالبات اهالی نشر قوت بگیرد. حسین سناپور اولین و مهم‌ترین تأثیر منفی نپیوستن ایران به این کنوانسیون را خراب‌شدن وجهه فرهنگی و ملی می‌داند و می‌گوید: ما از چشم ناشران خارجی به‌عنوان یک کشور دزد شناخته می‌شویم، زیرا در تمام دنیا گویا فقط سه، چهار کشور به این کنوانسیون نپیوسته‌اند و یکی از آنها ایران است. این نویسنده معتقد است نشر ما به دلیل تبعیت‌نکردن از قوانین جهانی، همواره بی‌حساب‌وکتاب از محصول کار نویسندگان خارجی استفاده کرده، یعنی با نوعی راهزنی فرهنگی. «درست‌شدن رابطه نویسندگان با ناشران و تنظیم بهتر قراردادهای نشر نیز بستگی تام‌وتمام به پیوستن ما به کنوانسیون برن دارد، زیرا تا وقتی ناشر می‌تواند بدون هیچ هزینه‌ای کتاب‌های خارجی را ترجمه کند، طبیعی است که اهمیت چندانی به نویسنده و مؤلف داخلی نخواهد داد».

اما حسن شهسواری بر این باور است که هنوز موضوعاتی مثل حقوق مؤلف و کپی‌رایت برای نویسندگان ما به دغدغه بدل نشده، زیرا کمتر نویسنده‌ای در ایران وجود دارد که درآمد اصلی‌اش از ادبیات باشد. به همین خاطر او اولین قدم برای پیوستن ما به کنوانسیون برن را آگاهی صنفی می‌داند. این نویسنده می‌گوید: «وقتی شما ضعیف هستی و از راه ادبیات درآمد نداری، هم ترجمه کتاب خارجی می‌تواند شما را تحت فشار قرار دهد، هم در قراردادهایی که با ناشرت می‌بندی حق تو پایمال می‌شود. پس تا وقتی قوی نشویم و نتوانیم مخاطب را در جناح خودمان بیاوریم، عملا کاری از پیش نمی‌بریم».

برخی مترجمان نیز هستند که معتقدند نپیوستن ما به کنوانسیون برن تأثیری در ادبیات داخلی ندارد و تنها به کار مترجمان آسیب می‌رساند. مثلا پیمان خاکسار می‌گوید که ادبیات ایران می‌تواند قائم به ذات مخاطب داشته باشد و با کتاب‌های خارجی رقابت کند. او با اشاره به اینکه خواننده ایرانی همواره دوست دارد با دغدغه‌های جامعه خودش در رمان‌های ایرانی برخورد کند و علایق خود را در آنها ببیند، می‌گوید: ولی وقتی نویسنده ایرانی نمی‌تواند مخاطبش را راضی کند، فرقی نمی‌کند که قفسه‌های کتابفروشی‌ها از کتاب‌های خارجی پر باشد یا نه. کتاب یک کالاست، اگر مرغوب باشد خریدار دارد. نشر هم یک بنگاه اقتصادی است و اگر دخل و خرج آن درست نباشد ورشکست می‌شود و از بین می‌رود. بنابراین ناشر هم باید به فکر فروش آثار خود باشد.

در این میان نویسندگانی نیز هستند که نگاه دوسویه‌ای به این ماجرا دارند. ازجمله بلقیس سلیمانی که معتقد است ما از هر جهت فقیریم و معلوم نیست اگر کپی‌رایت را بپذیریم آیا ادبیات ما فقیرتر می‌شود یا نه؟ البته او نیز بر این باور است که با پذیرش این کنوانسیون چهره بهتری در جامعه فرهنگی جهان پیدا خواهیم کرد، ولی تردیدهایش هنوز باقی است: آیا همچنان می‌توانیم بهترین ترجمه‌ها را داشته باشیم؟ آیا اقتصاد نشر ما این توانایی را دارد که هم حقوق مؤلف را بپذیرد و هم از مترجم حمایت مادی لازم را داشته باشد؟

برخی مترجمان نیز به وضعیت بی‌سروسامان کتاب‌های ترجمه اشاره می‌کنند. احمدپوری می‌گوید که این روزها فقط با یک‌جور کدخدامنشی نویسندگان خارجی اجازه ترجمه کتاب‌هایشان را به مترجمان داخلی می‌دهند، اما کپی‌رایت به قانون نیاز دارد نه کدخدامنشی.

رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران می‌افزاید: کپی‌رایت به شیوه شخصی با شیوه رسمی فرق دارد. باید قانون و قراردادی بین‌المللی وجود داشته باشد و به هرحال باید از جایی شروع کنیم. این کار طبیعتا مزایا و معایبی خواهد داشت، اما مزایای آن بیشتر است. از نظر آبتین گلکار وجه اخلاقی ماجرا از هر وجه دیگری پررنگ‌تر است. «هیچ بهانه‌ای دزدی‌کردن را توجیه نمی‌کند. ما به سادگی از دستاوردهای نویسندگان خارجی استفاده می‌کنیم، بدون اینکه خودمان را ملزم به پرداخت هزینه یا جبران بدانیم. انگار قبح ماجرا برای ما ریخته است. به نظرم باید هرچه زودتر به این کنوانسیون بپیوندیم، ضمن اینکه راه‌هایی هم وجود دارد که این آسیب‌ها را به حداقل برساند».

علی‌اصغر سیدآبادی هم با اشاره به برخی نتایج عضونشدن در کنوانسیون برن، از جمله ترجمه‌های بد و هم‌زمان از یک کتاب، نتیجه این وضعیت را در درازمدت به ضرر اقتصاد نشر می‌داند و می‌گوید: به‌خاطر نبود قانون کپی‌رایت، وقتی ناشری کتاب پرفروشی منتشر می‌کند، هیچ تضمینی وجود ندارد که یک ناشر دیگر ترجمه دیگری از همان کتاب را روانه بازار نکند که این مسئله به ضرر اقتصاد نشر خواهد بود.

دراین میان اما، محمد حسینی به نکته دیگری اشاره می‌کند. عضو هیئت‌مدیره انجمن صنفی داستان‌نویسان تهران می‌گوید: اگر ما به قانون جهانی کپی‌رایت بپیوندیم، خواه‌ناخواه بحث ممیزی هم باید حل بشود، چراکه هیچ نویسنده‌ای در هیچ‌کجای جهان ممکن نیست به ناشر این اختیار را بدهد که هر کجای کتاب را که خواست حذف کند.

زیر آسمان فیروزه‌ای

جشنواره «دانوب» با «همه می‌دانند» فرهادی کلید می‌خورد

● سی‌وپنجمین فستیوال «دانوب» ۲۰۱۸ در شهر اسمدروو از تاریخ ۱۸ لغایت ۲۳ آگوست برابر با ۲۷ مرداد تا اول شهریورماه با نمایش فیلم «همه می‌دانند»، ساخته اصغر فرهادی، افتتاح می‌شود. این جشنواره که در قلعه باستانی شهر اسمدروو و سه نقطه دیگر شهر برگزار می‌شود، فیلم‌هایی از کشورهای اسپانیا، آلمان، فرانسه، اتریش، بلغارستان، مجارستان، اکراین، اسلوونی و صربستان را با حضور کارگردانان چند کشور حوزه دانوب به نمایش می‌گذارد. در این جشنواره فیلم‌هایی که برای اولین‌بار در فستیوال‌های بزرگ اروپایی اکران شده‌اند، به نمایش گذاشته می‌شوند. در اختتامیه این فستیوال فیلم قدیمی «تابستان فریبنده ۶۸» (Varljivo Leto 68) محصول سال ۱۹۸۴ کشور یوگسلاوی که به صورت دیجیتال بازسازی شده است نمایش داده می‌شود.

پرتره‌های «صفر و یک» در گالری ویستا

● نمایشگاهی از نقاشی‌های صد پرتره مجموعه‌ای از آثار کوروش سرمدی در گالری ویستا برپا خواهد شد. «صفر و یک» عنوان این نمایشگاه است. سرمدی می‌گوید: این نمایشگاه مجموعه‌ای از کارهای من در ابعاد کوچک و حاصل دوره آموزشی‌ام در آموزشگاه سکو است. وی افزود: دغدغه نقاشی را از سال‌ها قبل داشتم ولی در این مؤسسه و در سال‌های گذشته زیر نظر استادان بزرگی آموزش دیدم و توانستم به دغدغه‌هایم جهت دهم. اکنون حدود صد کار در این نمایشگاه به رؤیت علاقه‌مندان خواهد رسید که اغلب آنها ۱۵ در ۲۰ سانتی‌متر هستند. پیش‌زمینه خلق همه آثار یکی است ولی از نظر فضاسازی تفاوت‌هایی دارند. درواقع درهم‌تنیدگی با فضا از ویژگی‌های این پرتره‌هاست. او در توضیح روش کار خود گفت: برخی از پرتره‌ها فضاسازی دارند ولی برخی از آنها فاقد این ویژگی هستند و تنها چهره آنها پیش‌روی مخاطب است. از طرفی برخی کارها سیاه و سفید و برخی رنگی هستند. سرمدی همچنین توضیح داد: برخی از کارها را از نور به تیرگی رسانده‌ام و برخی را از تیرگی به نور. البته ترجیح دادم در برخی از این آثار برای بیان بهتر مفهوم ساخت‌وسازهایی انجام دهم ولی برخی دیگر پرتره‌های تنها هستند. مثلا به ضرورت مفهوم بعضی جاها چشم، گوش یا یکی دیگر از اجزای پرتره را حذف کردم. یا بعضی جاها رنگ‌های اصلی را تغییر دادم و ترکیب رنگ تازه‌ای به وجود آوردم.او گفت: پرتره‌ها اغلب از روی عکس کشیده شده‌اند. تفاوت عکس و مدل زنده این است که در مدل زنده بُعد وجود دارد و باید به نقاشی منتقل شود. کوروش سرمدی در پایان گفت: فعلا روی پرتره متمرکز شده‌ام و دلم می‌خواهد در این زمینه تجربه‌های تازه پیدا کنم. البته علاقه جدی دیگرم فیگور است و دلم می‌خواهد برای مجموعه بعدی به سراغ این زمینه بروم. نمایشگاه آثار پرتره کوروش سرمدی از دوم شهریور به مدت یک هفته در گالری ویستا به نشانی خیابان مطهری، خیابان میرعماد، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۱ برپا می‌شود.

«بی چرا زندگانیم» در نگارخانه الهی رشت برگزار می‌شود

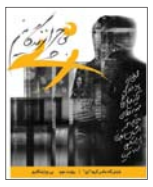

● دومین نمایشگاه عکس گروه «زی» با عنوان «بی چرا زندگانیم»، از بیست‌وپنجم مردادماه در رشت دایر شد.این نمایشگاه شامل آثاری از محمدعلی برنو، پویا بازارگرد، آدینه صالح‌نژاد، مانی پوراحمد، مهدیه عطایی، اشکان شعبانی، پویا درگاهی و سارا قنبرنیا است.«زی»، پاییز ۹۶ به همراهی تعدادی از عکاسان جوان گیلانی به سرپرستی محمدعلی برنو، عکاس برجسته کشور، شکل گرفت تا جهان و تجربه زیستن در آن را از دریچه نگاه خود ثبت کنند. در بخشی از معرفی گروه آمده است: « «زی» روایت ساده زندگی در فضای ناگهان پیرامون ماست با تلاشی برای ثبت و انجماد لحظه‌ها و بازی پرشور نور و تاریکی برای خلق و بازآفرینی».گفتنی است روایت اول این گروه با عنوان «حیرانی»، زمستان ۹۶ در رشت به نمایش درآمد. حالا روایت دوم، «بی چرا زندگانیم» از ۲۵ تا ۳۱ مردادماه از ساعت ۱۶ الی ۲۰ در نگارخانه الهی رشت، واقع در خیابان تختی، کوچه قربانی، بن‌بست شادمان پذیرای علاقه‌مندان است.آیین گشایش این نمایشگاه، پنجشنبه، ۲۵ مرداد، از ساعت ۱۸ الی ۲۱ برگزار شد.